

حماس اعلام کرد در مذاکرات روز پنجشنبه دوحه شرکت نمی کند

فریب آتش بس نگرفت

۷۲

درصد

اوایل تابستان امسال، نظرسنجی‌ها نشان داد که ۷۲ درصد از اسرائیلی‌ها خواهان استعفای نتانیا‌هو هستند. آنها او را نه تنها به خاطر نا‌کامی در حمایت از اسرائیلی‌ها در ۷ اکتبر، بلکه به خاطر به تأخیر انداختن، تضعیف و رد مذاکرات آزادی‌سازی اسرا که اکثریت ۵۶ درصد خواهان آن هستند مسئول می‌دانند

+



غرب آسیا

فائزه سادات یوسفی

خبرنگار

رصد تحولات در منطقه پس از ترور شهید هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس بخوبی نشان می‌دهد که این واقعه نقطه عطفی را در شکل دهی تهدید علیه جبهه امریکایی- صهیونیستی و در مجموع پرونده‌های موجود در منطقه حادث کرده و انتخاب یحیی سنوار برای رهبری حماس پیام هشدارآمیز خود را به تل آویو رسانده است.

شرایط بغرنج اسرائیل
در برهه کوتلی بسیاری از رسانه‌های دنیا از انتظار گشوده صهیونیست‌ها از ترس مجازات سخت ایران و مقاومت گزارش داده و اعلام کرده‌اند که برخی در اسرائیل از ترس حمله تا صبح خواب ندارند. «وحشت صهیونیست‌ها در سرزمین‌های اشغالی از ترس حمله ایران»، «فرار صهیونیست‌ها از فرودگاه بن گوریون»، «سایه وحشت در سرزمین‌های اشغالی»، «تبدیل

شدن پارکینگ‌های صهیونیست‌ها به پناهگاه و اورژانس»، «تخلیه چند مقر امنیتی» و ... اینها بخشی از تیرها و عناوین این روزهای رسانه‌های دنیا به خصوص رسانه‌های داخلی رژیم صهیونیستی است. با گذشت نزدیک به یک سال از جنگ غزه، احساس ناامنی و ترس از تشدید تنش در منطقه در اسرائیل همه چیز را فرا گرفته است. بویژه که نه نخست‌وزیر بنیامین نتانیا‌هو و نه هیچ یک از

رهبران دیگر اسرائیل به طور علنی به نگرانی‌های شهروندان اشاره نکرده و چگونگی واکنش به پاسخ ایران و مقاومت را بیان نکرده‌اند. با وجود آنکه مردم به شرایط جنگی در طول ۱۰ ماه تقریباً عادت کرده‌اند، اما شرایط وخیم جدید موجب شده برخی از ساکنین شروع به احتکار مواد غذایی و ژنراتور کنند.

اکثر پروازها به مقصد و از اسرائیل لغو شده‌اند و از خروج مردم جلوگیری شده و بسیاری

از رهبری ناراضی هستند. بسیاری از شهرداران و رهبران شهرداری از ارتش خواسته‌اند تمرکز خود را به لبنان معطوف کند، همچنین دولت نتانیا‌هو را به دلیل نا‌کامی‌های اطلاعاتی و امنیتی و ناتوانی در طرح‌ریزی برنامه‌ای برای بازگرداندن امنیت به شمال

اسرائیل محکوم کرده‌اند. به گزارش میدانی اینترسپت اکنون جامعه اسرائیل گرفتار ناامیدی شده و از چگونگی یافتن راهی برای خروج رنج می‌برد. از این رو می‌توان گفت افکار عمومی اسرائیل در تضاد دائمی قرار گرفته است. اوایل تابستان امسال، نظرسنجی‌ها نشان داد که ۷۲ درصد از اسرائیلی‌ها خواهان استعفای نتانیا‌هو هستند. آنها

او را نه تنها به خاطر نا‌کامی در حمایت از اسرائیلی‌ها در ۷ اکتبر، بلکه به خاطر به تأخیر انداختن، تضعیف و رد مذاکرات آزادی‌سازی اسرا که اکثریت ۵۶ درصد خواهان آن هستند مسئول می‌دانند. حتی بیش از ۶۲ درصد اظهار داشتند که بازگرداندن اسرا مهم‌تر از شکست دادن حماس است. در حال حاضر با توجه به شرایط موجود و بحران‌های چند وجهی در حال زیاد، اسرائیل در مخاطره‌آمیزترین لحظه خود در امنیت ملی از زمان تأسیس خود قرار گرفته است و اعتماد عمومی به رهبران سیاسی و نظامی در پایین‌ترین حد خود قرار دارد.

از سوی دیگر، همزمانی ترور شهید اسماعیل هنیه در تهران، ترور یکی از مهم‌ترین فرماندهان حزب‌الله در ضاحیه بیروت و نتانیا‌هو هم قبل از یگان‌های حشد الشعبی عراق موجب شد که موجی از انگیزه برای انتقام از رژیم صهیونیستی در بین گروه‌های مقاومت ایجاد شود. بویژه آنکه مقاومت این پاسخ را بسیار سهمگین‌تر و عمیق‌تر از حملات قبلی خود عنوان کرد. امری که نگرانی‌های جدی را برای کاخ سفید و تل آویو برانگیخت و از این رو امریکا تلاش کرد با گسیل نیروها، ادارات و ناوهای جنگی به منطقه توازن قوا به نفع مقاومت

را به‌هم برزند و به طور ضمنی آمادگی خود را در برابر هر گونه حمله اعلام کند. با وجود این دست اقدامات ایالات متحده اما آنچه فرامتن تحرکات نشان می‌دهد این است که امریکا برای طرح‌ریزی برون رفت از وضعیت به وجود آمده ناتوان است و هیچ برنامه روشنی را تعبیه نکرده است. این عدم برنامه سبب شده که این کشور در مرحله واکنش قرار بگیرد و به گفته صاحب‌نظران غربی تمام سیاست خارجه خود را به طور محاسبه نشده خرج رژیم صهیونیستی کند.

شکست

در نقطه شروع آتش بس

ایالات متحده با توجه به شرایط مذکور با به میان آوردن گزینه آتش بس در ازای امکان عدم حمله ایران تلاش می‌کند که پاسخ ایران به رژیم صهیونیستی را تحت‌الشعاع قرار داده و از آن معانعت به عمل آورد. درحالی این ادعاها توسط کاخ سفید در فضای رسانه‌ها پمپاژی می‌گردد که ترور هنیه نشان داد رژیم صهیونیستی به دنبال آتش بس نیست.

امری که برخی دولت‌مردان منطقه ای چون ارد و غان، رئیس‌جمهور ترکیه نیز بر آن تأکید داشته‌اند. نماینده جنبش حماس در تهران نیز در خصوص مذاکرات آتش بس گفت: «بعد از پیشنهاد بایدن در ۲ ژوئیه سال جاری حماس هم پیشنهاد خود را مطرح کرد. تیم موساد و اسرائیل، قطرا ترک کردند و نتانیا‌هو هم قبل از رفتن به امریکا گفت تیمی را برای مذاکره اعزام می‌کند ولی دیدیم که بعد از سفر وی به امریکا، هنیه را ترور کردند، با این حال شما از کدام مذاکره حرف می‌زنید؟!»

آنچه مسلم است، امریکا که بارها به حمایت آهینیش از رژیم صهیونیستی تأکید کرده و هم‌اکنون نیز مسئولیت تأمین مالی و تسلیحاتی رژیم را عهده‌داری می‌کند، خود نه یک ناظر بلکه بازیگر اصلی در جنگ غزه و به

تبع آن مذاکرات آتش بس است. اما این کشور با پنهان کردن نقش خود در لفظ تلاش می‌کند که حماس را تحت فشار تبعیت از سازکارهای جدید در طرح آتش بس قرار دهد. این درحالی است که حماس رضایت خود را در مذاکرات قبلی از آتش بس بیان داشته و رژیم صهیونیستی نیز در آن سوی میز مذاکره، در مرتبه پاسخگویی قرار داشت.

بنابراین اکنون توپ در زمین رژیم صهیونیستی و امریکا قرار دارد و این گونه موضعگیری‌ها تنها برای طفره رفتن از عدم پایبندی و پنهان جویی‌های نتانیا‌هو در آتش بس است. رقم زدن وضعیت جدید برای آتش بس تنها راهکاری است که ایالات متحده برای خرید زمان برای اسرائیل اجرایی می‌کند و می‌کوشد که منافع رژیم را به تناسب شرایط تحمیل شده در مذاکرات جدید به طور حداکثری تأمین نماید.

به همین لحاظ بود که روز گذشته یحیی سنوار، رهبر حماس یک پیام خطاب به میانجیگران در جریان مذاکرات دستیابی به آتش بس در نوار غزه مخابره و اعلام کرد که تنها در صورت توقف عملیات نظامی ارتش اشغالگر در غزه، تیم مذاکره‌کننده حماس حاضر است در مذاکرات حضور یابد. جنبش حماس نیز روز گذشته تصریح کرد در مذاکرات روز پنجشنبه که قرار است در دوحه با نمایندگان از قطر، مصر و امریکا برگزار شود، شرکت نمی‌کند.

این جنبش پیشتر در واکنش به «بیانیه سه‌جانبه» مصر، قطر و امریکا تأکید کرد میانجی‌ها باید طرحی ارائه کنند که مبتنی بر مذاکرات قبلی باشد، نه اینکه مذاکرات جدیدی آغاز شود. حماس از واسطه‌ها خواست که مفاد مورد توافق در مذاکرات دوم جولای (۱۲ تیر ماه) اجرایی شود. حماس همچنین تأکید کرد که آغاز دوره‌های جدیدی از مذاکرات با طرح پیشنهادهای تازه، فقط پوششی برای تجاوزگری‌های اسرائیل است.

علی شعبی، خبرنگار میدانی شبکه العنار



۱۹۷۳ را با عنوان «تحرک» آغاز کردند؛ نه با عنوان نبرد آزادی‌سازی. درواقع تحرک برای آغاز مذاکرات و مقدمه‌ای برای معاهده‌های صلح بود که خود تبدیل به مقدمه از بین بردن نگرانی دوم یعنی «نگرانی مشروعیت» شد. این دو جنگ (۱۹۶۷ و ۱۹۷۳) منجر به از بین رفتن این دو نگرانی برای رژیم صهیونیستی شد.

اهمیت جنگ ۲۰۰۶ این بود که تهدید وجودی و قرار گرفتن اسرائیل در چرخه تهدید وجودی را برگرداند. پیروزی حزب‌الله در نبرد «تموز» نقش مهمی در ضربه زدن به پروژه امریکایی (خاورمیانه بزرگ) داشت.

به اسرائیل بازگرداند. این رژیم به عنوان دولتی دارای خصوصیت اشغالگری، از دو نگرانی رنج می‌برد: نگرانی وجودی و نگرانی مشروعیت؛ در مورد نگرانی نخست (هستی شناسانه) رژیم صهیونیستی پس از نبرد ۱۹۶۷ پنداشت که این نگرانی را پشت‌سر گذاشته است، یعنی ایده عربی که قائل به «به دریا ریختن اسرائیل» بود، به آرزو و شعر و ادبیات تبدیل شد و [رهبران تل آویو] با خود گفتند که این تهدید را پشت‌سر گذاشته‌اند. در جنگ‌های بعدی نیز این معادله تثبیت شده بود و نگرانی وجودی از بین رفته بود؛ به‌عنوان مثال اعراب نبرد

66

این جنگ

منجر به تعطیلی وظیفه راهبردی تل‌آویو شد، زیرا به مثابه عصبی قدرتمندی بود که اسرائیل به‌وسیله آن با ملت‌هایی که خارج از سلطه امریکا حرکت می‌کرد، برخورد می‌کرد



۱۹۶۷

سال

رژیم صهیونیستی پس از نبرد ۱۹۶۷ پنداشت که این نگرانی را پشت‌سر گذاشته و یعنی ایده عربی که قائل به «به دریا ریختن اسرائیل» بود، به آرزو و شعر و ادبیات تبدیل شده است

+

مقاومت

امیرفرشایف

خبرنگار

جنگ ۳۳ روزه که با عنوان «جنگ» تموز هم شناخته می‌شود، جزو نبردهای سرنوشت‌ساز تاریخ است که از جهات متعددی می‌توان به آن پرداخت؛ از تحول در الگوهای عملیات پارتیزانی و ترکیب شیوه‌های مختلف رزم متعارف و نامتعارف تا تأثیر بر نظم بین‌المللی و منطقه‌ای.

کاندولیزا رایس وزیر خارجه اسبق ایالات متحده وضعیت منطقه غرب آسیا را در آستانه جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶ این‌گونه توصیف کرد: «اکنون شاهد تولد خاورمیانه جدید هستیم.» با این حال، مقاومت حزب‌الله در این جنگ اجازه ایجاد تغییر مطلوب امریکا را نداد و از یک سو ثبات را به منطقه برگرداند و از سوی دیگر، دوباره نگرانی‌های اولیه رژیم صهیونیستی را بازگرداند.

جنبش نجبا در گفت‌وگویی با دکتر یوسف نصرالله، مدیر مرکز تحقیقات و مطالعات استراتژیک «باحث» به وجوه برجسته و تمایزبخش این نبرد با سایر جنگ‌های عربی-اسرائیلی پرداخته است که ترجمه آن در ادامه نقل می‌شود:

واداشت. همچنین تضادهایی در مفاهیم و معیارهای شکست‌ها در تاریخ درگیری عربی-اسرائیلی

به پرسش و تحلیل درباره تغییرات و تحولات این نبرد درخصوص میزان قدرت نیروهای مقاومت

این نبرد که جهان و اذهان جهانیان را درگیر خود کرد، تحلیلگران و مؤسسات پژوهشی را